

« جلد شانزدهم

تفسیر بند به بند و شرح کامل

”ماده ۲۹۵

قانون مجازات اسلامی“

حل تست های آزمون های ادوار گذشته، ارائه نکات ریز ویژه
آزمون، تشریح کلیه بندهای حقوقی به زبان روان و قابل فهم

www.fileland.ir



مرکز تخصصی داندلود فایل های آزمون های مهندسی

« رشته راه و ساختمان »

ویژه آزمون کارشناس رسمی دادگستری، قوه قضائیه و کارشناس ماده ۲۷
قابل استفاده برای داوطلبین آزمون های فوق و کلیه کارشناسان رسمی

جزوه تفسیری — بند به بند

ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی

آماده سازی برای آزمون کارشناس رسمی دادگستری، آزمون قوه قضائیه و آزمون کارشناس ماده ۲۷ سازمان نظام مهندسی

۱. متن اصلی ماده

هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است، مانند این که مادر یا دایه ای که شیر دادن را برعهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند.

۲. تفسیر بند به بند

۲-۱. "فعلی که انجام آن را برعهده گرفته" یا "وظیفه خاص قانونی"

ماده دو منبع برای تکلیف به انجام فعل در نظر می گیرد: یکی قراردادی/توافقی (کسی داوطلبانه انجام کاری را برعهده گرفته، مثل دایه ای که شیر دادن به کودک را می پذیرد) و دیگری قانونی (وظیفه ای که مستقیماً قانون بر عهده شخص گذاشته، مثل تکلیف پزشک یا پرستار در قبال بیمار). هر دو منبع، از نظر مسئولیت کیفری، اثر یکسانی دارند.

۲-۲. "ترک کند" رکن مادی جرم ترک فعل

رکن مادی این نوع جنایت، نه یک فعل مثبت (کاری انجام دادن)، بلکه خودداری از انجام کاری است که شخص مکلف به انجام آن بوده. به این نوع جرایم در حقوق کیفری "جرایم ناشی از ترک فعل" یا "جرایم به ترک" گفته می شود؛ یعنی جنایت نه با کار کردن، بلکه با کار نکردن رخ می دهد.

۲-۳. "به سبب آن، جنایتی واقع شود" — رابطه سببیت

صرف ترک وظیفه کافی نیست؛ باید بین آن ترک فعل و جنایت واقع شده (فوت، جرح یا نقص عضو) رابطه علی وجود داشته باشد. یعنی اگر آن فعل انجام می شد، جنایت رخ نمی داد. اثبات این رابطه سببیت یکی از دشوارترین و پرچالش ترین بخش های این نوع پرونده ها در عمل قضایی و کارشناسی است.

۲-۴. "چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد" — شرط توانایی

استناد جنایت به تارک فعل، منوط به این است که او واقعاً توانایی انجام آن کار را داشته باشد. اگر شخص به دلیل قاهر (مثل نبود امکانات، بیماری خودش، یا شرایط اضطراری) عملاً قادر به انجام وظیفه نبوده، جنایت به او مستند نمی شود و مسئولیتی متوجه او نیست.

۲-۵. "جنایت حاصل به او مستند می‌شود" — رکن انتسابی

وقتی سه شرط بالا (تکلیف، ترک، رابطه سببیت + توانایی) جمع باشد، جنایت از نظر حقوقی به شخص تارک فعل "مستند" می‌شود؛ یعنی او را می‌توان مسئول آن جنایت دانست، درست مثل کسی که با فعل مثبت مرتکب جنایت شده باشد.

۲-۶. "حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی، یا خطای محض" — نوع مسئولیت

برخلاف تصور رایج، ترک فعل الزاماً غیرعمدی نیست. نوع جنایت (عمد، شبه‌عمد یا خطای محض) بستگی به قصد و آگاهی تارک فعل دارد: اگر با علم به این که ترک وظیفه منجر به جنایت می‌شود، عمداً آن را ترک کند، جنایت عمدی است؛ اگر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی در کار باشد، شبه‌عمد است؛ و اگر هیچ تقصیری در کار نباشد و فقط توانایی انجام نداشته، ممکن است اصلاً استناد جنایت منتفی شود.

۲-۷. مثال‌های مذکور در متن ماده

- مادر یا دایه‌ای که شیر دادن به کودک را برعهده گرفته و از این کار خودداری می‌کند و کودک بر اثر آن آسیب می‌بیند یا فوت می‌کند.
- پزشک یا پرستاری که وظیفه قانونی خود (مانند رسیدگی به بیمار در حال خطر) را ترک می‌کند و بیمار بر اثر آن دچار جنایت (فوت/نقص عضو) می‌شود.

۳. توضیح ساده و کاربردی برای عموم

به زبان ساده، این ماده می‌گوید: گاهی جرم فقط با "انجام کاری بد" اتفاق نمی‌افتد، بلکه با "انجام ندادن کاری که وظایف‌ها بوده" هم می‌تواند رخ دهد. مثلاً اگر پزشکی که مسئول یک بیمار در حال خطر است، عمداً یا از روی بی‌توجهی کار خودش را انجام ندهد و بیمار به همین دلیل فوت کند، قانون همان‌طور با او برخورد می‌کند که انگار خودش مستقیماً باعث مرگ بیمار شده — به شرطی که واقعاً می‌توانسته آن کار را انجام دهد و کوتاهی او علت اصلی فوت بوده باشد.

نکته کلیدی این است که این مسئولیت "مطلق" نیست: اگر شخص هیچ راهی برای انجام آن وظیفه نداشته (مثلاً امکانات پزشکی در دسترس نبوده)، یا رابطه علی بین ترک او و جنایت اثبات نشود، مسئولیتی متوجه او نخواهد بود.

۴. نکات کلیدی و پرتکرار در آزمون ها

این ماده مبنای قانونی "جرم ناشی از ترک فعل" در حقوق کیفری ایران است — یکی از پرتکرارترین محورهای سؤال در آزمون های کارشناسی.

چهار رکن لازم برای تحقق مسئولیت: (۱) وجود تکلیف قراردادی یا قانونی، (۲) ترک آن تکلیف، (۳) رابطه سببیت میان ترک و جنایت، (۴) توانایی انجام فعل.

نبود توانایی انجام فعل، رافع مسئولیت است — این نکته در سؤالات ترکیبی با "عوامل رافع مسئولیت کیفری" زیاد می آید.

نوع جنایت (عمد/شبه عمده/خطای محض) در ترک فعل، تابع "قصد و تقصیر" تارک فعل است، نه نوع فعل — این ماده به تنهایی نوع جنایت را تعیین نمی کند، بلکه احاله می دهد به احراز قصد در هر پرونده.

در پرونده های کارشناسی فنی و مهندسی (کارشناس ماده ۲۷)، این ماده معمولاً در پرونده های حوادث ساختمانی مطرح می شود: مثلاً مهندس ناظری که با وجود مشاهده تخلف ایمنی، گزارش یا اقدام لازم را ترک می کند و حادثه ای رخ می دهد.

این ماده باید همراه با مواد مرتبط به تسبیب و مباشرت در قانون مجازات اسلامی مطالعه شود، چون رابطه سببیت ترک فعل با جنایت، از منظر تسبیب تحلیل می شود.

۵. تعریف لغات و اصطلاحات تخصصی

جنایت: در قانون مجازات اسلامی، به هر رفتاری که موجب فوت، نقص عضو یا آسیب به سلامت جسمی یا روانی دیگری شود، جنایت گفته می شود؛ شامل قتل، جرح و نقص عضو.

ترک فعل: خودداری از انجام کاری که شخص، به موجب قرارداد، عرف یا قانون، مکلف به انجام آن بوده است.

استناد جنایت: نسبت دادن حقوقی نتیجه مجرمانه (جنایت) به شخص معین، به گونه ای که او را مسئول آن نتیجه بدانیم.

قتل عمد: جنایتی که مرتکب با قصد کشتن یا انجام کاری که نوعاً کشنده است (با علم به کشنده بودن آن)، انجام می دهد.

شبه عمد: جنایتی که مرتکب قصد انجام فعل را داشته اما قصد آسیب رساندن به مجنی علیه را نداشته و نتیجه بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی حاصل شده است.

خطای محض: جنایتی که در آن نه قصد فعل وجود دارد و نه قصد نتیجه؛ جنایت کاملاً غیر عمدی و بدون تقصیر آگاهانه رخ می دهد (مثل حوادث ناخواسته).

رابطه سببیت: پیوند علی میان رفتار (فعل یا ترک فعل) شخص و نتیجه مجرمانه؛ به طوری که بدون آن رفتار، نتیجه رخ نمی داد.

۶. سوالات تستی با پاسخ تشریحی

سؤال — ۱ سطح ساده

طبق ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، منبع تکلیف به انجام فعل در ترک فعل منجر به جنایت می تواند شامل چه مواردی باشد؟

الف) فقط تکلیف قانونی

ب) فقط تکلیف قراردادی

ج) هم تکلیفی که فرد داوطلبانه برعهده گرفته و هم وظیفه ای که قانون برعهده او گذاشته

د) فقط دستور مقام قضایی

پاسخ تشریحی:

متن ماده صراحتاً هر دو منبع را ذکر کرده: "فعلی که انجام آن را برعهده گرفته" (منبع قراردادی/توافقی) و "وظیفه خاصی که قانون برعهده او گذاشته است" (منبع قانونی). بنابراین گزینه (ج) صحیح است.

سؤال — ۲ سطح متوسط

چنانچه پرستاری با وجود مکلف بودن به رسیدگی، به دلیل نبود هیچ گونه امکانات و تجهیزات پزشکی در دسترس، عملاً قادر به انجام اقدام لازم نباشد و بیمار فوت کند، طبق ماده ۲۹۵ کدام گزینه صحیح است؟

الف) جنایت به طور قطع به پرستار مستند است و او مسئول قتل عمد است

ب) چون پرستار توانایی انجام فعل را نداشته، جنایت به او مستند نمی شود

ج) پرستار همواره مسئول شبه عمد شناخته می شود، صرف نظر از توانایی

د) موضوع فقط تخلف انتظامی است و ربطی به مسئولیت کیفری ندارد

پاسخ تشریحی:

طبق قسمت "چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد" در متن ماده، استناد جنایت به تارک فعل منوط به وجود توانایی واقعی برای انجام آن کار است. وقتی امکانات لازم اصلاً در دسترس نبوده و شخص عملاً قادر به اقدام نبوده، شرط توانایی منتفی است و جنایت به او مستند نمی‌شود؛ بنابراین گزینه (ب) صحیح است.

سؤال — ۳ سطح سخت

مهندس ناظری با علم به اینکه عدم گزارش یک تخلف ایمنی حیاتی در کارگاه، احتمال بسیار بالایی برای وقوع حادثه جانی ایجاد می‌کند، آگاهانه و عامدانه از گزارش دادن خودداری می‌کند و متعاقباً حادثه رخ داده و کارگری فوت می‌کند. با فرض احراز رابطه سببیت و توانایی مهندس برای اقدام، نوع مسئولیت او طبق ماده ۲۹۵ و اصول کلی مسئولیت کیفری چگونه ارزیابی می‌شود؟

الف) خطای محض، زیرا فعل مثبتی انجام نداده است

ب) شبه‌عمد، زیرا نظارت جزو وظایف حرفه‌ای اوست نه قصد مجرمانه

ج) عمدی، زیرا با علم به این که ترکِ وظیفه‌اش به‌طور متعارف منجر به جنایت می‌شود، آگاهانه آن را ترک کرده است

د) فاقد هرگونه مسئولیت کیفری، چون صرفاً ترک فعل بوده نه فعل مثبت

پاسخ تشریحی:

طبق تفسیر بند "حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی، یا خطای محض"، نوع مسئولیت در ترک فعل تابع قصد و آگاهی تارک فعل است، نه شکل فعل (مثبت یا منفی) آن. وقتی شخص با علم به اینکه ترکِ وظیفه‌اش نوعاً و عرفاً می‌تواند به جنایت منجر شود، آگاهانه آن را ترک می‌کند، این رفتار از منظر قصد، معادل ارتکاب عمدی جنایت تلقی می‌شود؛ درست همان‌طور که فعل مثبت نوعاً کشنده با علم به کشنده بودن، قتل عمد محسوب می‌شود. بنابراین گزینه (ج) صحیح است. توجه: صرف "ترک فعل بودن" به‌خودی‌خود رافع مسئولیت یا محدودکننده آن به خطای محض نیست — این یکی از دام‌های رایج در سؤالات آزمون است.

۷. تکمله — کاربرد ماده در حوزه مهندسی و نکات تکمیلی

۷-۱. تطبیق مستقیم ماده بر مهندسان ناظر، مجری، طراح و محاسب

در منابع تخصصی حقوق ساختمان، ماده ۲۹۵ به طور مستقیم روی نقش مهندسان تطبیق داده شده است: “کسی” می تواند مهندس ناظر، مجری، طراح یا محاسب باشد؛ “فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه قانونی” می تواند مهر و امضای پروانه ساختمان و پذیرفتن مسئولیت آن باشد؛ و “ترک آن” می تواند عدم اجرا، نظارت، یا محاسبات دقیق و صحیح باشد. اگر در نتیجه این ترک، حادثه ای در کارگاه ساختمانی رخ دهد — فوت، جرح یا خسارت به همسایگان و اشخاص ثالث — همین ماده مبنای انتساب مسئولیت کیفری به مهندس خواهد بود.

این تطبیق دقیقاً همان کاربردی است که در پرونده های کارشناس ماده ۲۷ سازمان نظام مهندسی و کارشناس رسمی دادگستری رشته راه و ساختمان مطرح می شود؛ کارشناس باید بتواند این چهار رکن (تکلیف، ترک، رابطه سببیت، توانایی) را در گزارش خود به روشنی احراز یا نفی کند.

۷-۲. آیا انجام ناقص وظیفه هم “ترک فعل” محسوب می شود؟

یکی از پرسش های مهمی که در ادبیات حقوقی مطرح شده این است: آیا انجام ناقص یک تعهد یا وظیفه قانونی (مثلاً نظارتی که به طور جزئی و ناکامل انجام شده، نه به طور کامل ترک شده) را نیز می توان مشمول “ترک فعل” موضوع ماده ۲۹۵ دانست؟ این پرسش هنوز محل بحث است، اما در عمل کارشناسی اهمیت زیادی دارد، چون بسیاری از پرونده های واقعی (نظارت کم دقت، بازدیدهای ناقص) دقیقاً در همین منطقه خاکستری میان “ترک کامل” و “انجام ناقص” قرار می گیرند.

۷-۳. نمونه واقعی: تبرئه مهندس ناظر با قطع رابطه سببیت

در یک پرونده واقعی، مهندس ناظری که در دادرسی کیفری تحت پیگرد قرار گرفته بود، با کمک وکیل توانست با استناد به قطع رابطه سببیت میان فعل زیان بار و ضرر وارده، از اتهام تبرئه شود. این نمونه نشان می دهد که در عمل، محور اصلی دفاع مهندسان معمولاً نه انکار اصل تکلیف قانونی، بلکه نفی رابطه سببیت (مثلاً به کارگیری “نظریه خطر”) یا اثبات نبود توانایی واقعی برای انجام وظیفه است.

نکته کاربردی برای کارشناس: در گزارش های کارشناسی مرتبط با ماده ۲۹۵، صرف اثبات وجود تکلیف قانونی کافی نیست؛ باید هر چهار رکن به طور مجزا و مستند بررسی و احراز یا نفی شود، به ویژه رابطه سببیت که پرچالش ترین بخش این نوع پرونده هاست.

۴-۷. پیشینه علمی و اختلاف نظر فقهی - حقوقی پیش از تصویب ماده

پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظر جدی وجود داشت که آیا اساساً “ترک فعل” (که امری عدمی است) می تواند رکن مادی جنایت و علت یک نتیجه وجودی (مانند مرگ) قرار گیرد یا خیر. برخی آن را ممکن نمی دانستند، در حالی که دیدگاه مشهورتر می پذیرفت که ترک فعل در صورتی موجب مسئولیت کیفری می شود که مسبوق به تکلیف قانونی یا قراردادی باشد و رابطه سببیت با نتیجه احراز شود. قانون گذار در ماده ۲۹۵ عملاً همین دیدگاه دوم را پذیرفته و به این اختلاف تاریخی پایان داده است.

پایان جزوه — ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی

**برای دریافت
ادامه این
درسنامه و
تفسیر بند به
بند به وبسایت
زیر مراجعه
فرمائید.**



**همچنین برای
دیدن سایر
مجموعه درسنامه‌ها
و تفاسیر بند به بند
منابع آزمون‌های
کارشناسی رسمی
دادگستری و قوه
قضائیه به وب سایت
زیر مشاهده شود.**

www.Fileland.ir

